



# ریشخند مافوق

و همچنان بانکها و قدرت‌های مافیایی به مردم،  
قانون و دستورات رهبری ریشخند می‌زنند...



شماره بیست و هفتم / مهرماه ۱۴۰۲

# بانک ملاق

مهدی اسم حسینی

کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی

اقتصاد  
سیاسی

دو هفته نامه سیاسی دانشجویی هفت تیر

شماره بیست و هشتم / مهرماه ۱۴۰۹

مرکزی نتوانسته است نسبت به فعالیت بانکها نظارت داشته باشد و آنچه امروز شاهد آن هستیم ضعف عملکردی بانک مرکزی است که باید این رویه اصلاح شود.

## اموال مازاد بانکها چه میزان است؟!

بر اساس سخنان مدیر اداره‌ی ارزیابی سلامت نظام بانکی، بر مبنای ارزش دفتری در بانکها، در ارتباط با سهام، چیزی در حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تا ۲۴۰ هزار میلیارد تومان است که حدود ۴۰ هزار میلیارد آن سهام بانکی است و بقیه سهام غیربانکی است که بانکها قاعدتا باید واگذار کنند و اموال مازاد هم حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان است که این را هم بانکها باید واگذار کنند. نکته‌ی قابل توجه در اظهارات این مقام بانک مرکزی، ارزش دفتری ارقام یادشده اس در حالی که ارزش روز آن ها بیشتر از این خواهد بود.

## سخنان حضرت آقا؛ فصل الخطاب

رهبر معظم انقلاب در شهریور سال ۹۷ و در دیدار با اعضای هیئت دولت به موضوع بنگاهداری بانکها اشاره کردند و همان زمان به تیم اقتصادی دولت وقت تصریح کردند که بانکها غلط می‌کنند با پول مردم بنگاه داری می‌کنند. با گذشت حدود پنج سال از تاکید ویژه رهبری معظم انقلاب نسبت به این موضوع، نه تنها بنگاهداری بانکها کاهش نیافته، بلکه اموال مازادی که قرار بود واگذار شود نیز همچنان در اختیار این بخش است. تعیین ساز و کار شفافیت بانکها در اوایل مهرماه سال جاری، نمایندگان مجلس در جریان بررسی لایحه‌ی برنامه هفتم توسعه، تکلیف قانونی سهام و املاک مازاد بانکها را تعیین کردند. بر همین اساس، سامانه‌های املاک و مستغلات و همچنین سهام‌داری شبکه‌ی بانکی با هدف ایجاد شفافیت املاک و سهام بانکها ایجاد خواهد شد و بانکها مکلف خواهند بود که ظرف ۶ ماه از مهلت مقرر، اطلاعات مرتبط با این اموال مرتبط با خود را اعلام کنند. پس از این مهلت، چنانچه دارایی‌ای متعلق به بانکها یا مؤسسات اعتباری غیربانکی کشف شود که در این سامانه‌ها ثبت نشده باشد، به شرکت مدیریت دارایی شبکه بانکی منتقل می‌شود و هرگونه نقل و انتقال یا توثیق آنها توسط بانکها فاقد اعتبار و بلااثر خواهد شد. دارایی‌های ثبت شده در «سامانه املاک و مستغلات شبکه بانکی» و «سامانه سهام‌داری شبکه بانکی» غیر از دارایی‌هایی که «نگهداری آنها مستلزم انجام حرفه‌ی بانک‌داری بوده و منع قانونی ندارد» دارایی مازاد محسوب می‌شود. بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی موظف به واگذاری دارایی‌های مازاد خود حداکثر تا پایان سال دوم برنامه هستند. بدون تردید مصوبه‌ی اخیر مجلس شورای اسلامی، مبنی بر ایجاد شفافیت در املاک و سهام بانکها، گام مهمی در راستای توقف فرایند بنگاهداری بانکها می‌باشد؛ لیکن تحقق این امر مهم مستلزم دقت و توجه مستمر نهادهای نظارتی نیز خواهد بود.

بانک یک نهاد صرفا اقتصادی است که صلاحیت ذاتی آن تخصیص منابع، عملیات مالی اعم از نگهداری سهام اوراق بهادار، نقل و انتقالات موجود و ... است.

## بنگاه داری بانکها چیست؟!

بنگاه‌داری بانکها به معنی فعالیت بانکها نظیر سرمایه‌گذاری در بازارهای غیرمولد که از آن به بنگاهداری یاد می‌شود. بنگاهداری بانکها در اقتصاد از منظر سرمایه‌گذاری را نمی‌توان کاملاً رد کرد. در دنیا سرمایه‌گذاری بانکها در قالب‌هایی نظیر شرکت‌های لیزینگی، صرافی‌ها و ... جهت تکمیل و توسعه‌ی زنجیره ارائه خدمات بانکی پذیرفته شده است. اما در کشورمان در دهه‌های اخیر، بانکها برخلاف کارکرد بهینه‌شان عمل کرده‌اند و موجب هدایت منابع اقتصاد به بخش‌های غیر مولد شده‌اند و مهم‌ترین تبعات بنگاهداری بانکها علاوه بر هدایت غیر بهینه منابع در اقتصاد، باید در تورم‌زایی آن دانست.

## بانکها در بنگاهداری به دنبال چه هستند؟!

هدف اصلی بانکها از بنگاهداری، کسب سود بیش‌تر است؛ در اوایل دهه‌ی هشتاد، بانکها و مؤسسات مالی به شکل غلطی گسترش پیدا کردند؛ بانکها جهت دریافت و جذب سپرده‌های بیش‌تر از سمت مردم، اقدام به پرداخت سودهای زیاد کردند و وارد یک چرخه‌ی معیوب در اقتصاد شدند که باعث مشکلات گسترده برای اقتصاد ایران و افزایش نقدینگی شد. بانکها در مقطعی سودهای سالیانه را به ۳۰ درصد رساندند که این اقدام، باعث افزایش رکود و نرخ تورم به ۲۵ درصد شد که در نتیجه تراز اقتصاد ایران را به هم ریخت. بانکها به جهت پرداخت سود سپرده بیش از ۲۰ درصد سالیانه به سپرده‌گذاران، وارد بازارهایی مانند خودرو، سکه و ارز و به ویژه مسکن شدند که این اقدامات بانکها باعث شد بازارساز جدیدی در این بازارهای غیر مولد قدرت بگیرد. جهت اطلاع بیش‌تر از میزان حضور بانکها در املاک کشور، کافی است املاک بانکها در سامانه کدال را مشاهده کرده و شاهد عمق سرمایه‌گذاری بانکها فقط در بخش مسکن شوید. بانکها به شرکت‌های زیرمجموعه خود تسهیلات می‌دهند و آنها برای بانک ارزش افزوده خلق می‌کنند و از این راه پول و سرمایه نیز از بانک خارج نمی‌شود و پول در مجموعه خود حفظ می‌شود؛ بانکها وقتی پول را در بدنه خود نگه می‌دارند، دیگر جایی برای نفس کشیدن بخش خصوصی نمی‌گذارند و عملاً بخش خصوصی از بدنه‌ی اقتصاد حذف می‌شود و تنها مجموعه‌هایی می‌توانند فعالیت کنند که متصل به بانک هستند. متأسفانه بانک

# تلخی واقعیت؛ عینکی برای درست دیدن

احمد موسی پور  
کارشناس ارشد روابط بین الملل



کم‌تر از هفت ماه دیگر دو انتخابات مهم در کشور برگزار می‌شود. هر چند از واژهٔ مهم برای برجسته‌سازی انتخابات اسفند استفاده کردم اما این واژه برای هرکدام از این انتخابات معنی خاص خودش را دارد.

## مجلس در کجای امور است؟

خب من این جملهٔ امام راحل که می‌فرمود: «مجلس در رأس امور است.» را نمی‌فهمم. مجلس شورای اسلامی ساختاری ناکارآمد، ورودی‌های بی‌کیفیت و فضایی مسموم را در دل خود پرورش داده‌است. طبعاً چنین چیزی نمی‌تواند در رأس امور مملکت‌داری باشد.

## تلفیقی از همه چیز و هیچ چیز

مجلس تکلیفش با خودش مشخص نیست، ملی عمل کند یا محلی؟ مصوبات و بحث‌های مجلس بسیار گسترده است و همین گستردگی موجب شده طیف وسیعی از موضوعات و مسائل مختلف در جلسات صحن و کمیسیون‌ها مطرح شود و عملاً راندمان کاری مجلس کاهش پیدا می‌کند. سال ۹۸ که بعضی از رسانه‌ها و حتی تشکل‌های سیاسی و دانشجویی تبلیغات فراوانی را برای مجلس انجام دادند، در یادداشتی با عنوان «امید ۳۰ درصدی» نوشتم در صورت تحقق تمام مؤلفه‌های مطلوب مجلس جدید، در بهترین حالت آن، ۳۰ درصد انتظارات را برآورده خواهد کرد. مسئلهٔ ساختار، نکتهٔ مهمی است که مجال پرداختن به همهٔ ابعاد آن نیازمند بحث مفصل است. اگر علاقه به دنبال کردن نظرات کارشناسی در این حوزه دارید، مرکز مطالعات پارلمان اندیشکدهٔ حکمرانی شریف را مطالعه و دنبال کنید.

## لابی

لابی‌چیز بدی نیست. اگر روند آن شفاف و قانونی باشد. عبارت لابی مفهومی غربی است که به فرایندهای قانون‌گذاری در بریتانیا و آمریکا بازمی‌گردد. در راهروهای منتهی به صحن مجلس افراد مختلف (نمایندگان پیشکسوت، ذی‌نفع و مالی سبب می‌شود که نوع اثرگذاری و لابی‌کردن‌ها چندان قابل بررسی و مطالعه نباشد. به بیان ساده‌تر، ما با یک تاریک‌خانهٔ تمام‌عیار روبه‌رو هستیم.

## کارآمدسازی پارلمان

در ساخت تقنین و ریل‌گذاری کلان کشور و چیدمان اهرم‌های حکمرانی، مجلس نقش مهمی دارد. باتوجه‌به ساختار فعلی پارلمان و سازوکارهای قانون‌گذاری در ایران فعلاً

امکان تغییر و تحول ساختاری در این فضا مقدور نیست. مجلس شورای اسلامی در دل خود طیف عظیمی از مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی، روابط خارجی و... را مورد بحث و ارزیابی و تصمیم‌گیری قرار می‌دهد. ابهامی که ایجاد می‌گردد این است که آیا تمام ۲۹۰ نمایندهٔ مجلس در تمامی این موضوعات متخصص‌اند؟ آیا اعضای کمیسیون‌ها تماماً بر روی موضوعات مطروحه در کمیسیون مسلط‌اند؟ حتماً این‌گونه نیست. در اواخر دههٔ ۷۰ این‌جملهٔ جدی برای خود نمایندگان حس شد و این احساس نیاز منتهی به تأسیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی شد. مرکز پژوهش‌ها به‌عنوان بازوی سیاست‌پژوهی و مستشاری مجلس در طول سال‌های پس‌از تأسیس کارکردهای مختلف و مثبتی را داشته و توانسته بخشی از بحران موجود در فهم مسائل تخصصی را در درون مجلس کاهش دهد. البته در موارد متعددی نمایندگان متأسفانه بی‌توجه به نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌ها مصوبات را به پیش می‌برند. به‌نظر می‌رسد باید یک مجمعی از مراکز سیاست‌پژوهی که عموماً تمرکز موضوعی دارند و مستقل از ساختار مجلس هستند، به‌عنوان بازوی دوم مشورتی مجلس به رسمیت شناخته‌شده و فعالیت خود را آغاز کنند. در سال‌های اخیر جامعهٔ اندیشکده‌ها و خانهٔ اندیشه‌پژوهان توانسته‌اند در جایگاه هماهنگ‌کنندهٔ مراکز سیاست‌پژوهی عملکرد قابل‌قبولی داشته باشند. از این‌رو ضروری است که این مهم در دورهٔ جدید پارلمان مد نظر هیئت رئیسهٔ مجلس قرار گیرد.

## جان کلام

مجلس محل تخصص‌انگاری است نه محل رانت و زدوبند سیاسی. رسالت مجلس ریل‌گذاری و راهبردهای در مسائل کلان کشور است نه امورات خرد محلی. نمایندگان مجلس متخصصین عالی‌هر حوزه‌ای باید باشند که بتوانند پاسخ‌گوی نیاز سیاست‌گذارانهٔ کشور باشند.

برای انتخابات امسال مجلس نیز معتقد به امید ۳۰ درصدی هستیم. یعنی راندمان کاری بهینهٔ مجلس را در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۳۰ درصد پیش‌بینی می‌کنم که این منفی‌انگاری ناشی از عدم ارادهٔ جدی برای اصلاح تغییر در روندها و ساختارهای حاکم بر مجلس و نظام تقنینی کشور است.



# دیپلمات‌های کورا!



علی ظاهری

کارشناسی علوم سیاسی

سیاست  
خارجی

دو هفته نامه سیاسی دانشجویی هفت‌تیر

شماره بیست و هفتم / موراد ۱۴۰۲

۴

را دارد و از مزایای آن محروم مانده است. ۱۵ کشور همسایه ایران «امارات متحده عربی، ترکیه، روسیه، عربستان، پاکستان، عراق، قطر، کویت، قزاقستان، عمان، بحرین، جمهوری آذربایجان، افغانستان، ترکمنستان و ارمنستان» با دارا بودن ۵۶۰ میلیون نفر جمعیت، با ۱/۰۲ تریلیون دلار واردات، حدود ۶/۳ درصد از حجم ۱۶ تریلیون دلاری واردات جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که ایران با ۲۳/۲ میلیارد دلار صادرات به این ۱۵ کشور همسایه، تنها ۲/۱۳ درصد از این بازار بزرگ را در اختیار دارد. دو کشور امارات متحده عربی و ترکیه بیش‌ترین نفوذ را در میان کشورهای منطقه‌ای در بازار ایران داشته‌اند و سهم سایر کشورهای منطقه کم‌تر از ۰/۵ درصد بوده است. در مجموع، از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ صادرات ایران به ۱۵ کشور از ۸ میلیارد دلار به ۱۵ میلیارد دلار و واردات از ۱۸ میلیارد دلار به ۱۳ میلیارد دلار رسیده است. براساس این آمار در سال‌های آغاز به کار دولت یازدهم و دوازدهم، افزایش صادرات و کاهش واردات مشهود است. نقاط قوت زیادی همچون خدمات فنی و مهندسی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های صنعتی و خدمات حوزه سلامت برای دولت دوازدهم وجود دارد. با گسترش نفوذ ایران در بازارهای منطقه، تقویت تولید داخلی، اشتغال‌زایی و دستیابی به ارزش افزوده مناسب و درآمدهای ارزی برای کشور حاصل می‌شود.

## جمع‌بندی

برای توسعه کشور، جمهوری اسلامی ایران نیاز جدی به تعامل با اقتصاد جهانی دارد. دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابزارها برای رسیدن به جایگاه اول منطقه است. واگذاری مسئولیت‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی به وزارت امور خارجه، توجه به دیپلماسی اقتصادی براساس ظرفیت‌های داخلی و تعامل در روابط اقتصادی خارجی را در دولت یازدهم و هم‌اکنون در دولت دوازدهم اهمیتی دوچندان بخشیده است. با استفاده از راهکارهایی همچون ایجاد شبکه‌ای از روابط راهبردی با همسایگان، استفاده از پیمان‌های دوجانبه ارزی و تشکیل شورای هماهنگی دیپلماسی اقتصادی می‌توان نقش دیپلماسی اقتصادی را در تقویت منافع ملی و اقتدار بین‌المللی کشور افزایش داد.

تقویت سیاست همسایگی در بازارهای منطقه‌ای، باعث افزایش نفوذ ایران در منطقه و تثبیت دامنه نفوذ اقتصادی و تجاری در اقتصاد کشورهای همسایه می‌شود. این مهم نیازمند یک سیاست خارجی پویا و تقویت دیپلماسی اقتصادی است. در این راستا، توسعه روابط همه‌جانبه و پایدار با همسایگان، از مهم‌ترین راهبردها و اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت دوازدهم به‌شمار می‌رود. این راهبرد آثار زیر را به دنبال دارد:

۱. **بازدارندگی در برابر منابع بی‌ثبات و ناامنی منطقه‌ای**  
تقویت منافع ملی برای سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه ضروری است. اقتصاد قوی به محیطی امن و ثبات در پیرامون کشورها وابسته است و امنیت و ثبات منطقه‌ای نیز نیازمند وجود رشد و رفاه اقتصادی است. بعد از خروج از برجام، فشارهای اقتصادی و سیاسی ایالات متحده آمریکا علیه منافع کشور، مشکلات مختلفی را در مقابل ایران به وجود آورده است. توجه هرچه بیش‌تر به اقتصاد مقاومتی و دیپلماسی اقتصادی با همسایگان با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران به چند طریق از بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای جلوگیری می‌کند و در نتیجه، موجب رسیدن به اهداف استراتژیک و توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران است.

## ۲. بازدارندگی در برابر آثار تحریم‌ها

با تقویت دیپلماسی اقتصادی با همسایگان از طریق جلوگیری از انزوای ایران به دلیل پرهزینه‌کردن سیاست‌های تحریمی و همچنین جلوگیری از برگشت‌پذیری تحریم‌ها، می‌توان از چالش‌ها و تهدیدات ناشی از تحریم‌ها جلوگیری کرد. با در نظر گرفتن جمعیت چند صد میلیونی همسایگان، می‌توان به بازار همسایگان به‌عنوان بازار مصرف و تامین‌کننده مواد اولیه نگاه کرد. در واقع، با استفاده از دیپلماسی اقتصادی، بازار همسایگان می‌تواند نقش بازارهای بزرگی را برای صادرات محصولات و خدمات ایران ایفا کند. به همین دلیل تحلیل روابط تجاری با همسایگان در راستای افزایش قدرت اقتصادی ایران اهمیت زیادی دارد.

## ۳. تحلیل روابط خارجی ایران با همسایگان

ایران در سال‌های اخیر کم‌ترین تعامل اقتصادی منطقه‌ای

# انتخاب هاشمی

بهنام حاجیان

کارشناسی علوم سیاسی شاهد



سیاست  
داخلی

## مسئله جوانان

جوانان موتور محرک هر جامعه‌ای می‌باشند. جوان ایرانی امروز به واسطه رسانه و فضای مجازی وارد دهکده جهانی شده و همچنین از فهم بسیار بالایی در ادراک مسائل برخوردار است و به نوعی سرمایه اجتماعی یک کشور تلقی می‌شود. مسئله اصلی آنجاست که در نگاه آقای هاشمی، افق جوان ایرانی به چه شکل ترسیم شده است.

## گور پدر المپیک! آبرویمان نرود فدای سرتان

به گمانم امروز تمام هدف وزارتخانه بازی‌های آسیایی هانگژو و مدال آوری ورزشکاران ما در این مسابقات است. اما خصوصی‌سازی دو باشگاه پرترفدار پایتخت، ساخت حداقل یک ورزشگاه مدرن در کشور و مسئله جوانان و توسعه ورزش بانوان از مهم‌ترین مسائل این وزارتخانه می‌باشد که شاید مطالبه هر ورزش دوست و جوانی باشد. گرچه دورنما می‌بایست برگزاری مسابقات جهانی در کشور باشد اما به لطف مدیریت مدیران دلسوز و دغدغه‌مند، ارتفاع سقف توقعات معقول مان به دو سانتی‌متر تنزل یافته است!

## ما را یاد و تو را فراموش؟!

بیان این مطلب هم به‌عنوان یک یادآوری می‌تواند مهم باشد که جوانان امروز بیش از هر زمان دیگری دغدغه‌مند فردای کشور خود می‌باشند و می‌خواهند که هر کدام سهمی در چیدن پازل پیشرفت کشور داشته باشند اما نیازمند اعتماد و امید به فردا هستند. جوانانی که هر کدام شان می‌توانند مصداق بیانیه گام دوم باشند و همیشه ثابت کردند که می‌شود با اعتماد و ایجاد بسترهای رشد برای آن‌ها امکان شکوفاشدن استعدادها و مهارت‌های آن‌ها را در حوزه‌های فرهنگی و علمی و ورزشی فراهم کرد. شاید به درستی که هر هزینه‌ای در این وزارتخانه، یک سرمایه گذاری می‌باشد برای فردا که حتماً با قدم‌های جوانان، فردای این سرزمین روشن‌تر می‌شود و می‌تواند جامعه را از مشکلات کنونی خارج سازند.

در سال ۱۳۸۹ و پس از ادغام سازمان تربیت‌بدنی و سازمان ملی جوانان، وزارتخانه‌ای شکل گرفت که نقش مهمی را در پیشبرد اهداف کشور دارد و تاکنون نیز وزرای زیادی با برنامه‌های مختلفی به خود دیده است.

## کارنامه هاشمی

در مردادماه امسال خبر استعفای حمید سجادی در رسانه‌ها منتشر شد و همان زمان بود که اهالی ورزش نام کیومرث هاشمی را به‌عنوان سرپرست این وزارتخانه شنیدند. کسی که در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۹۶ ریاست کمیته ملی المپیک، سرپرستی فدراسیون فوتبال، رییس ستاد مبارزه با دوپینگ کشور و همچنین قائم‌مقام وزیر در امور تربیت‌بدنی آموزش و پرورش، چنین کارنامه‌ای در حوزه ورزش ایشان را برای گرفتن رأی اعتماد راهی مجلس کرد.

## آنچه در بهارستان گذشت

موافقان گفتند که ایشان از پایین‌ترین مراتب ورزشی شروع کرده و به این نقطه رسیده‌اند و برنامه‌های مدون و قابل دفاع برای ورزش بانوان دارند و مدیر غیر تخصصی و آسانسوری نیستند. مخالفان هم گفتند که ایشان خروجی خاصی در حوزه ورزش نداشته و در حوزه خصوصی‌سازی هم برنامه‌ای ندارند. بعد از تمام این صحبت‌ها، وزیر پیشنهادی با اشاره به اینکه ورزش به میدان اصلی جنگ نرم تبدیل شده است، اعتماد به جوانان و تشکیل شورای عالی جوانان در سطوح مختلف ملی، استانی و منطقه‌ای را از مهم‌ترین برنامه‌های خود در وزارتخانه دانست و همچنین توسعه ورزش همگانی و ورزش تعلیم و تربیتی با محوریت ورزش در مدارس و دانشگاه‌ها نیز از دیگر برنامه‌های ایشان بود.

## اعتماد پارلمان

در مجموع با ۱۶۷ رأی موافق و ۵۷ رأی مخالف راهی خیابان سئول شدند تا ساکنان وزارتخانه‌ای را به عهده بگیرند که نقش مهمی در اعتمادسازی به جوانان دارد.

# احزاب سیاسی پیش از



# کلاه پهلوی

جریان‌شناسی گروه‌های سیاسی و احزاب پیش از انقلاب  
اسلامی (دهه ۱۳۲۰ به بعد)  
قسمت نخست:  
پیشینه شکل‌گیری احزاب

سجاد لطفی

کارشناسی علوم سیاسی

جریان  
شناسی

دوره‌نامه به سیاسی و دانشجویی هفت تیر

شماره بیست و هفتم / دوره ۱۴

یک فضای باز سیاسی هستیم و در سایه آن فعالیت احزاب رونق می‌گیرد. قابل ذکر است که فعالیت‌های احزاب در این دوران با فراز و فرودهایی همراه است. در سال ۱۳۲۷ و در پی ترور ناموفق محمدرضا شاه، موجی از بازداشت‌ها و سرکوب جریان‌ها و احزاب آغاز شد اما فضای باز و آزادی‌های سیاسی به‌کلی از بین نرفت. اوج فعالیت احزاب در این دوران را باید در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ و در زمان نخست‌وزیری مصدق جست‌وجو کرد که اقتدار شاه در این دو سال به‌شدت تضعیف شده بود و جریان‌های لیبرالی و مذهبی و چپ در این دوران نقش پررنگی ایفا کرده و اثرگذار بودند. در مباحثی که طرح می‌کنیم، بیش‌تر با این دوران سروکار داریم که در آینده، این دوران را کامل باز می‌کنیم.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پایه‌های قدرت محمدرضا شاه تثبیت شد و در فاصله سال‌های مرداد ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۳۹ با تقلیل فعالیت‌های احزاب مواجه می‌شویم و فعالیت جریان‌ها سیاسی مختلف در حالت اختفا یا نیمه‌مخفی صورت می‌گیرد. بعد از روی کار آمدن جان اف. کندی در آمریکا و طرح اصلاحات و نخست‌وزیری علی امینی در سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ دوباره یک فضای سیاسی باز موقت ایجاد می‌شود و شاهد تحرک جریان‌ها و احزاب سیاسی در این دوره هستیم. باز این شرایط چندان دوام نیاورده و این تحرک با سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به‌نوعی دفن می‌شود و قدرت مطلق محمدرضا شاه تقویت می‌گردد و به‌دنبال این سرکوب مجدد گروه‌ها و جریان‌ها سیاسی فعالیت‌شان را زیرزمینی می‌کنند و زمینه برای شکل‌گیری گروه‌های مسلح و سازمان‌های چریکی فراهم می‌شود. البته در همان دوره نیز احزاب فرمایشی و صوری وابسته به سلطنت متولد می‌شوند که هریک حول محور یکی از نخست‌وزیران شاه کنش‌گری می‌کنند.

در ایران، فعالیت احزاب به مفهوم جدید آن، به دوران مشروطه باز می‌گردد که بیش‌تر، الگوبرداری از شکل غربی آن بوده و به‌نوعی امری وارداتی محسوب می‌گردید.

به‌طور کلی فعالیت احزاب و جریان‌ها سیاسی در ایران را می‌توان به چهار دوره تقسیم نمود:

۱. دوران مشروطیت؛
۲. دوران حاکمیت رضا شاه؛
۳. پس از سقوط رضا شاه؛
۴. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی.

با آغاز مشروطه و شکل‌گیری مجلس، احزاب نیز به عنوان یکی از لوازم آن پا به عرصه ظهور گذاشتند. به‌طور کلی از مجلس دوم، گروه‌ها و انجمن‌ها و جمعیت‌های کوچک به احزاب جدی تبدیل شده و اهداف خود را در قالب مرام‌نامه بیان کردند. حزب اجتماعیون عامیون، اجتماعیون اعتدالیون، حزب اتفاق و ترقی و جمعیت ترقی خواهان، هر کدام بنا به ضرورتی که در طول مجلس دوم شکل گرفته و فراکسیون پارلمانی و روزه حزب و بعضاً مرام‌نامه و نظام‌نامه خود را خلق کردند. حزب اجتماعیون عامیون، اولین حزب سیاسی منطبق بر تحزب غربی بود که در ایران تاسیس شد.

در دوران حاکمیت رضا شاه، شاهد کاهش چشمگیر فعالیت احزاب هستیم و استبداد حاکم بر این دوره، اجازه تنفس سیاسی و فعالیت به احزاب را نمی‌داد و اگر هم فعالیت از سوی احزاب شکل می‌گرفت، در مواردی بود که با میانی اقتدار رضا شاه مغایرتی نداشت. به‌دلیل شکست مشروطه‌خواهی و ظهور سلطنت پهلوی، در دوران پهلوی نخست، فعالیت احزاب با چالش‌های جدی مواجه بود و عموماً ارائه نظری بر خلاف سلطنت تازه تاسیس، سرکوب را به‌همراه داشت.

پس از سقوط رضا شاه در سال ۱۳۲۰، در این دوران شاهد

# غرب و ما ادراک مالغرب؟!

امیرعلی هادی

کارشناسی جامعه‌شناسی



واژه غرب از پراستعمال‌ترین واژه‌های ما در ایران معاصر است. ایرانی ۲۰۰ سال است که همواره از غرب می‌گوید؛ حال یا به مدح یا به ذم؛ یا به‌عنوان راه برون‌رفت از بحران یا خود عامل بحران. روزی آن را فرنگ می‌نامد و روزی مدرنیته. اما آیا حقیقتاً می‌دانیم که غرب چیست و کجاست؟

در این سلسله یادداشت‌ها تلاش خواهیم کرد برای روشن‌کردن این مسئله «غرب و ما ادراک مالغرب». پیش از آنکه از آنچه غرب هست سخن بگوییم، باید بگوییم غرب چه نیست.

۱. اولین برداشت ما از واژه غرب «غرب جغرافیایی» است. جهان شرقی دارد و غربی و آنچه مد نظر ماست آنی است که در غرب این عالم قرار دارد و شامل اروپا و شمال آمریکا می‌شود. این معنا رهزن است زیرا دامنه معنای غرب را محدود می‌کند و امکانی برای پیوستن کشورهای خارج از مختصات غرب بدان را ناممکن می‌سازد.

۲. منظور از غرب، همان «غرب سیاسی» است. همان تفکیک کشورهای جهان میان بلوک شرق و غرب. با روشن شدن ماهیت غرب خواهیم دید که بلوک شرق هم به نوعی ذیل عالم غربی تعریف می‌شود.

۳. مجموعه علم، تکنولوژی، سینما و سیاست مدرن، غرب را می‌سازند. در این برداشت موزاییکی، غرب مجموعه‌ای از اجزاست که برخی از اجزا خوب است و برخی بد که می‌توان میان آن‌ها گزینش کرد و عناصر خوب را برگزید و عناصر بد را کنار گذاشت. اما با روشن شدن ماهیت غرب خواهیم دید که غرب، یک کل یکپارچه است که روحی مشترک بر تمام آن حاکم است؛ روح داشتن تمام اجزای غرب، بدین معنا نیست که آن را یکپارچه خیر یا یکپارچه شر بدانیم؛ بلکه صرفاً باید به تعلق تمام اجزای آن به این عالم آگاه باشیم.

۴. غرب یک تمدن است مقابل سایر تمدن‌ها که این تمدن از رنسانس پایه‌ریزی شده‌است و امروزه به اوج قدرت آن رسیده‌است. اما غرب، تمدن هم نیست؛ بلکه شرط به‌وجود آمدن این تمدن است. غرب زمینی است که این تمدن در آن «امکان تحقق» پیدا می‌کند. حال،

زمان طرح این پرسش است: اگر غرب هیچکدام از این‌ها نیست، پس غرب چیست؟

غرب یک نسبت است. نوعی نسبت خاص به عالم و آدم. نوعی تلقی و درک از وجود و مبدا وجود؛ اما این چه نسبتی است؟ نسبت استیلا و تصرف است. نوعی نسبت دایرمدار بودن برای انسان؛ انسان کانون و محور همه چیز است و ارباب جهان.

سوژه اندیشنده دکارتی، کانون عالم و آدم قرار می‌گیرد. انسان سوژه است و هرچیزی جز او ابژه؛ و نسبت میان سوژه و ابژه، نسبت استیلا و تصرف است. انسان ارباب جهان است و طبیعت، سریر پادشاهی او. در این معنا غرب ماهیتی تاریخی دارد که از یونان آغاز شده و مدرنیته و تجدد صرفاً دوره متأخر این عالم تاریخی است. این نسبت خاص میان انسان و جهان که اصالت یافتن بشر خودبنیاد است، یونانیان با گوشه چشمی بدان نگرستند و در دوره جدید به ظهور عیان آن رسیده‌است.

بنابراین غرب علم، تکنولوژی و تمدن نیست. بلکه عالمی است که درون آن این امور «امکان ظهور» پیدا می‌کنند. درست است که این معنا از ماهیت غرب پیوند وثیقی با غرب جغرافیایی دارد ولی نسبت میان آن‌ها این همانی نیست. زیرا ممکن است کشوری بیرون از غرب جغرافیایی باشد ولی متعلق به آن. حال سؤال این است که ما را با این غرب چه کار؟ ما برای خود تاریخی داریم و غرب نیز تاریخی. چه نیازی به شناخت این معنا از غرب داریم؟

در شماره بعدی به آن خواهیم پرداخت.





مطالب و آراء مندرج در دوهفته نامه سیاسی دانشجویی  
هفت تیر بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان آنهاست.



کاربریکاتورست: امیرحسین همتی  
هیئت تحریریه: مهدی  
اسم حسینی، علی طاهری،  
بهنام حاجیان، امیرعلی هادی،  
سجاد لطفی، احمد موسی پور

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی  
دانشگاه شهید بهبهشتی (ره)  
مدیرمسئول و سردبیر: علی آزین  
ویراستار: محدثه حبیبی،  
محمدحسین بهزادفر

ما را در فضای مجازی دنبال کنید:

@BasijSBU



@haftetir\_sbu

